

خالص سازی جزئی و توصیف ویژگی های آنزیم منعقدکننده ی شیر از میوه های گیاه پنیرباد (ویتانیا کواگولانس)

مریم بیگمی¹، محمد امین محمدی²، محسن قدس روحانی³، مریم هاشمی⁴، محرم ولی زاده⁵

- 1- دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم و صنایع غذایی، انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
- 2- نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم و صنایع غذایی، انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران، پست الکترونیکی: mohamdif@ut.ac.ir
- 3- استادیار گروه صنایع غذایی مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی وزارت جهاد کشاورزی (شهید هاشمی نژاد مشهد)، ایران
- 4- استادیار پژوهشی، بخش تحقیقاتی بیوتکنولوژی میکروبی و ایمنی زیستی، پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی ایران، کرج، ایران
- 5- استادیار مرکز پژوهشی گیاهان دارویی و زینتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

تاریخ دریافت: 92/2/12

تاریخ پذیرش: 92/5/21

چکیده

سابقه و هدف: تلاش های متعددی برای جایگزین کردن مایه پنیر حیوانی با سایر پروتئازهای منعقدکننده ی شیر، به علت محدودیت تولید و قیمت در حال افزایش آن انجام شده است. میوه ی گیاه دارویی پنیر باد یا ویتانیا کواگولانس منبع غنی پروتئازهای منعقدکننده شیر است که از گذشته به عنوان مایه پنیر در تولید پنیرهای سنتی در جنوب ایران استفاده می شده است. مطالعات در خصوص این گیاه و بررسی ویژگی های آنزیم آن صورت نگرفته است. هدف این تحقیق، استخراج، خالص سازی جزئی و توصیف ویژگی های آنزیم منعقدکننده ی شیر از گیاه ویتانیا کواگولانس بود.

مواد و روش ها: عصاره ی آنزیمی میوه ی گیاه ویتانیا کواگولانس با استفاده از محلول 0/85 درصد NaCl استخراج و فعالیت انعقادی شیر و ویژگی های آنزیم منعقدکننده ی شیر (تأثیر دما، pH، غلظت و پایداری گرمایی) بررسی شد. عصاره به صورت جزئی خالص سازی شد و وزن ملکولی عصاره ی خام و اجزائی که بیشترین فعالیت انعقادی شیر را داشتند با SDS-PAGE تعیین شد.

یافته ها: دما و pH بهینه برای آنزیم به ترتیب 70°C و 4 بود. خالص سازی جزئی نشان داد که انعقاد شیر توسط آنزیم خالص شده با سولفات آمونیوم 50٪، بیشتر از سایر اجزای خالص شده بود. وزن ملکولی این جزء با SDS-PAGE دو باند (66 و 29 کیلو دالتون) را نشان داد. یک ویژگی مهم آنزیم، پایداری گرمایی آن بود. به طوری که 74٪ فعالیت خود را در دمای 60°C به مدت 30 دقیقه حفظ کرد.

نتیجه گیری: به نظر می رسد آنزیم پروتئیناز گیاه ویتانیا کواگولانس می تواند آنزیم مناسبی به عنوان جایگزین مایه پنیر در صنعت لبنیات باشد.

واژگان کلیدی: ویتانیا کواگولانس، استخراج، خالص سازی جزئی، SDS-PAGE

• مقدمه

پنیرهای تشکیل لخته به وسیله ی عمل مایه پنیر صورت می گیرد (1). از میان چندین آنزیم منعقدکننده ی شیر، رنت به دست آمده از شیردان گوساله ی شیرخوار به عنوان اولین مایه پنیر استاندارد گزارش شده است. اما افزایش تولید جهانی پنیر و مصرف آن، ظهور بیماری های مزمن و خطرناک (مثل جنون گاوی)، کاهش کشتار گوساله های جوان به دلیل افزایش تقاضا برای گوشت، افزایش رژیم

یکی از مراحل اصلی و مهم فرایند انواع پنیر انعقاد سیستم کازئینی پروتئین شیر و تبدیل آن به شبکه ی ژلی سه بعدی است. انعقاد سیستم کازئینی با چندین روش امکان پذیر است. یکی از مهم ترین آن ها انعقاد به وسیله ی عمل پروتئازهای اختصاصی (مایه پنیر) است. به استثنای پنیرهای تازه مانند کاتیج (Cottage) و کوارگ (Quarg) که در آن ها شیر با اسید لاکتیک لخته می شود، در تولید سایر

در ایران پراکنش این گیاه محدود به منطقه‌ی بلوچستان در استان سیستان و بلوچستان است و عمدتاً در رویشگاه‌های طبیعی شهرستان‌های سراوان، خاش و ارتفاعات بم پشت رشد می‌کند (8).

قسمت‌های مختلف این گیاه در طب سنتی برای درمان اسهال، استفراغ و فشارخون تجویز می‌شود (9، 10). یافته‌های جدید حاکی از تأثیر ضد سرطانی و تأثیر آنتی‌دیابتی آن است. دامداران محلی در استان سیستان و بلوچستان از میوه‌های گیاه دارویی *ویتانیا کواگولانس* با استفاده از شیر گاو و گوسفند یک نوع پنیر سفید نرم تولید می‌کنند که کاملاً به صورت تجربی تهیه می‌شود.

باوجود استفاده از این گیاه از دیرباز در تولید پنیر، مطالعات بسیار کمی در خصوص استخراج آنزیم، خالص سازی و توصیف ویژگی‌های آنزیم آن انجام شده است. با توجه به توسعه‌ی صنعت پنیرسازی در دو دهه گذشته، کمبود مایه پنیر حیوانی، معایب ناشی از سایر مایه پنیرها و پتانسیل خوب پروتئازهای موجود در گیاه پنیرباد، پژوهش درباره‌ی استخراج آنزیم منعقدکننده‌ی شیر، خالص سازی و توصیف ویژگی‌های آن جهت کاربرد در صنعت ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش، پروتئازهای حاصل از میوه‌های گیاه پنیرباد به عنوان یک منبع آنزیمی جایگزین رنت استخراج و سپس به صورت جزئی خالص سازی شد. ویژگی‌های آنزیم منعقدکننده‌ی شیر نیز مورد بررسی قرار گرفت.

• مواد و روش‌ها

جمع آوری نمونه‌های گیاه: نمونه‌های میوه‌ی گیاه پنیرباد در بازه‌ی زمانی تیر 1391 تا مرداد 1391 توسط مرکز پژوهشی گیاهان دارویی و زینتی دانشگاه سیستان و بلوچستان، از نواحی اطراف شهر سراوان جمع‌آوری شد. این منطقه دارای رطوبت نسبی 20% و دمای 34°C (در این موقع از سال) است. نمونه‌ها بعد از جمع‌آوری با آب بدون یون شسته و در دمای 25°C در محیط آزمایشگاه خشک شد.

عصاره‌گیری از میوه‌ی گیاه: استخراج عصاره‌ی آنزیمی با محلول 0/85 درصد NaCl انجام شد. 10 گرم میوه‌ی گیاه پنیرباد به وسیله‌ی آسیاب آزمایشگاهی پودر شد. پودر حاصل با 60 میلی‌لیتر از محلول NaCl هموژنیزه شد. مخلوط

غذایی گیاهخواری در برخی جوامع و عدم مصرف این نوع مایه پنیر در برخی از کشورها به دلایل مذهبی و اخلاقی سبب کاهش تولید این نوع مایه پنیر شده است (2). از این رو، تلاش‌ها در خصوص جایگزین کردن آن با سایر پروتئازهای منعقدکننده‌ی شیر افزایش یافته است. بررسی‌ها در خصوص معرفی جایگزین مناسب، موجب معرفی مایه پنیرهای میکروبی مختلف شد که با وجود برخی مزایا، به دلیل طعم تلخ و کاهش بازده محصول نهایی این منابع مناسب نبوده‌اند. هم‌چنین، در برخی کشورها برای تولید پنیرهای رایج از این نوع مایه پنیرها استفاده نمی‌شود (3).

یکی دیگر از منابع جایگزین رنت، عصاره‌های گیاهی هستند که از دیرباز به عنوان مایه پنیر برای تولید پنیر در نواحی روستایی و به طور سنتی استفاده شده‌اند. در سال‌های اخیر توجه به این نوع مایه پنیرها بنا به دلایلی از جمله مناسب بودن پنیرهای تولید شده با آنزیم‌های طبیعی گیاهی برای افراد گیاهخوار که از رنت‌های حیوانی استفاده نمی‌کنند و هم‌چنین معرفی این گونه محصولات به عنوان محصولات حلال و کوشر افزایش یافته است (4). بنابراین، جستجو برای پروتئازهای گیاهی مناسب، به منظور صنعتی کردن آن‌ها هم‌چنان ادامه دارد (5). ولی متأسفانه اغلب مایه پنیرهای گیاهی به دست آمده به دلیل فعالیت پروتئولیتیکی شدید برای مصارف صنعتی مناسب نیستند، اگرچه استثناهایی نیز وجود دارد مانند گیاه *سینارا کاردونکولوس* (*Cynara cardunculus*) که در بسیاری از کشورها از جمله پرتغال و اسپانیا از آن در تولید پنیرهای لاسرنا (La Serena) و لوس پدروچ (Los Pedroches) استفاده شده است. مطالعات متعددی هم روی عصاره‌ی حاصل از آن انجام شده است (6). یکی دیگر از پروتئازهای گیاهی دارای پتانسیل انعقاد شیر، پروتئاز یک گیاه دارویی ارزشمند با نام عمومی پنیرباد و نام علمی *Withanina coagulans* است. انتظار می‌رود در خصوص این گیاه ویژگی‌های نامطلوب فوق‌الذکر وجود نداشته باشد (7).

گیاه پنیرباد (*ویتانیا کواگولانس*) متعلق به خانواده‌ی *سولاناسه* گیاهی است پایا، درختچه‌ای، با بوته‌های به ارتفاع 30 تا 100 سانتی‌متر که به صورت خودرو در سراسر پاکستان و هم‌چنین جنوب غربی هند و افغانستان می‌روید.

خالص‌سازی جزئی (جزء بندی) عصاره‌ی میوه‌ی گیاه پنیرباد توسط سولفات آمونیوم جامد؛ خالص‌سازی جزئی عصاره طبق روش ونگ و همکاران (2007) انجام شد (13). برای تهیه‌ی اجزا ابتدا مقادیر سولفات آمونیوم مورد نیاز برای هر جزء محاسبه شد. برای دستیابی به حالت 10% اشباع، 0/05 گرم سولفات آمونیوم جامد به آرامی به عصاره افزوده شد و سپس به مدت 10 دقیقه در دمای 4°C انکوبه شد. رسوب حاصل با میکروفیوژ در 18000×g به مدت 10 دقیقه در دمای 4°C بازیافت شد. مطابق روش فوق برای دستیابی به حالت 20% اشباع به محلول روئی حاصل از مرحله‌ی قبل 0/05 گرم سولفات آمونیوم اضافه و به مدت 20 دقیقه در دمای 4°C انکوبه شد. رسوب حاصل توسط میکروفیوژ در 18000×g به مدت 10 دقیقه در دمای 4°C بازیافت شد. جزء بندی به همین ترتیب ادامه یافت تا اجزای 30، 40، 50، 60، 70 و 80 درصد اشباع حاصل شد. این اجزا به ترتیب

P1، P2، P3، P4، P5، P6، P7، P8 نامیده شدند. سپس هر یک از رسوب‌های به دست آمده در 600 میکرولیتر محلول NaCl برای انجام آزمون بعدی حل شد. به منظور نمک‌زدایی از اجزای خالص شده، پس از فعال‌سازی کیسه‌ی دیالیز (Sigma شرکت 43mm، D9527) هر جزء جداگانه دیالیز شد. این عمل به مدت 48 ساعت در دمای 4°C در آب دیونیزه انجام گرفت. به منظور انجام بهتر عمل دیالیز هر 8 ساعت یک بار آب دیونیزه تعویض شد. سپس فعالیت انعقادی شیر و غلظت پروتئین هر یک از اجزای خالص شده که دیالیز شده بود، طبق روش‌های فوق اندازه‌گیری شد.

تعیین وزن ملکولی عصاره و اجزای خالص شده با استفاده از الکتروفورز؛ به منظور تعیین وزن ملکولی عصاره‌ی میوه و اجزای به دست آمده از مراحل خالص‌سازی که بیشترین فعالیت انعقادی شیر را داشتند، از تکنیک SDS-PAGE به روش لاملی با رنگ‌آمیزی کوماسی بلو استفاده شد (14).

تأثیر pH بر فعالیت آنزیم؛ pH بهینه برای فعالیت آنزیم با اندازه‌گیری بیشترین فعالیت انعقادی شیر عصاره میوه در محدوده pH، از 4 تا 9 در بافرهای مختلف اندازه‌گیری شد. بافرهای استفاده شده عبارت بودند از: - بافر 50 میلی مولار سیترات سدیم با pH=4 و pH=5

حاصل به مدت 24 ساعت همراه با هم زدن آرام در دمای 4°C قرار گرفت. بعد از گذشت مدت زمان لازم به منظور جدا سازی مواد جامد و نامحلول، ترکیب حاصل به مدت 30 دقیقه در دمای 4°C در 20800×g سانتریفوژ شد. پس از صاف شدن مجدد محلول فوقانی، عصاره حاصل تا زمان استفاده در دمای 4°C نگهداری شد (11).

شناسایی آنزیم و تعیین مقدار آن؛ غلظت پروتئین تام عصاره‌ی آنزیمی طبق روش برادفورد (12) با دستگاه اسپکتروفتومتر (CECIL، انگلستان) در طول موج 595 نانومتر و با استفاده از آلبومین سرم گاوی به عنوان استاندارد تعیین شد.

اندازه‌گیری فعالیت انعقادی شیر؛ به منظور اندازه‌گیری فعالیت انعقادی شیر، ابتدا پودر شیر خشک 10% با pH=6/5 به عنوان سوبسترا تهیه شد. برای این منظور پودر شیر خشک (بدون چربی، شرکت کاله) با حل کردن 10 گرم در 100 میلی لیتر محلول CaCl_2 بازسازی شد. سپس شیر حاصل در دمای 35°C به مدت 15 دقیقه نگهداری شد و به عنوان سوبسترا در سرتاسر مطالعه مورد استفاده قرار گرفت. pH نمونه‌ها با استفاده از اسید لاکتیک و هیدروکسید سدیم تنظیم شد (3).

فعالیت انعقادی شیر به روش اوتانی (1991) و با اندکی تغییر اندازه‌گیری شد (3). به 2 میلی لیتر از سوبسترای قرار گرفته در دمای 37°C، 200 میکرولیتر عصاره‌ی آنزیمی اضافه شد. تشکیل لخته با چرخش دستی لوله در فواصل زمانی کم در دمای 37°C بررسی شد. نقطه‌ی پایانی زمانی بود که اجزاء (لخته) به طور مجزا درون لوله آزمایش مشاهده می‌شد. آزمون در سه تکرار انجام و میانگین آن به عنوان زمان انعقاد گزارش شد.

یک واحد انعقاد شیر، مقدار آنزیمی است که باعث انعقاد 10 میلی لیتر سوبسترا در مدت زمان 30 دقیقه شود. فعالیت انعقادی شیر توسط این فرمول محاسبه شد (3).

$$\text{MCA (Milk Clotting Activity) (units)} = 2400/T \times S/E$$

$$T = \text{زمان انعقاد (ثانیه)}$$

$$S = \text{حجم سوبسترا}$$

$$E = \text{حجم عصاره‌ی آنزیمی}$$

30 دقیقه در هر یک از این دماها انکوبه شد و پس از گذشت مدت زمان تعیین شده، عصاره تا دمای محیط سرد شد. سپس به هر کدام 2 میلی لیتر سوبسترا اضافه و تشکیل لخته با چرخش دستی لوله در فواصل زمانی کم در دمای 37°C مورد بررسی قرار گرفت. نقطه‌ی پایانی زمانی بود که اجزاء به طور مجزا در لوله آزمایش مشاهده می‌شد.

تجزیه و تحلیل آماری: داده‌های به دست آمده، پس از تست نرمالیت در قالب طرح آماری فاکتوریل بر پایه‌ی طرح کاملاً تصادفی در سه تکرار مورد آزمون قرار گرفت. در صورت وجود معنی‌داری، مقایسه‌ی میانگین‌ها با استفاده از آزمون چنددامنه‌ای دانکن در سطح احتمال 5% انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها و مقایسه‌ی میانگین‌ها توسط نرم افزار SPSS 18 انجام گرفت. نمودارها با استفاده از نرم‌افزار 12 sigma plot ترسیم شد.

• یافته‌ها

اندازه‌گیری غلظت پروتئین: غلظت پروتئین عصاره‌ی آنزیمی بعد از ترسیم نمودار استاندارد با بالاترین ضریب همبستگی و معادله‌ی منحنی به ترتیب $R^2 = 0.984$ و $y = 0.928x + 0.034$ تعیین شد. غلظت پروتئین عصاره‌ی آنزیمی 1mg/ml بود.

خالص سازی جزء به جزء (جزء بندی) عصاره میوه‌ی گیاه پنیرباد توسط سولفات آمونیوم جامد: نتایج حاصل از خالص سازی آنزیم موجود در عصاره‌ی میوه‌ی گیاه ویتانیاکواگولانس نشان داد که از میان 7 جزء به دست آمده، بیشترین میزان فعالیت انعقادی شیر در جزء 50% (P5) و پس از آن در جزء 40% (P4) مشاهده شد (شکل 1، الف). ولی جزء 50% بیشترین میزان فعالیت انعقادی شیر (2707U/ml) با مقدار پروتئین (7.1mg/ml) را داشت (داده‌ها مربوط به سایر اجزا نشان داده نشده است). مقایسه‌ی عینی ژل‌های به دست آمده از هر یک از اجزا هم نشان داد که ژل حاصل از جزء 50% نسبت به ژل حاصل از سایر اجزا از بافت سفت‌تر و محکم‌تری برخوردار است. نتایج حاصل از اندازه‌گیری فعالیت انعقاد شیر مختلف با یافته‌های به دست آمده از اندازه‌گیری میزان پروتئین هر یک از اجزا مطابقت داشت. به طوری که جزء P5 و سپس جزء P4

- بافر 50 میلی مولار فسفات سدیم با pH=6 و pH=7

- بافر 50 میلی مولار Tris-HCl با pH=8 و pH=9

برای این منظور 10 گرم میوه‌ی پودر شده ویتانیا کواگولانس به طور جداگانه با 60 میلی لیتر از محلول بافرهای ذکر شده هموژنیزه شد. مخلوط حاصل به مدت 24 ساعت همراه با هم زدن آرام در دمای 4°C قرار گرفت. بعد از گذشت مدت زمان لازم به منظور جدا سازی مواد جامد و نامحلول، مخلوط حاصل به مدت 30 دقیقه در دمای 4°C درجه سانتی‌گراد در 20800xg سانتریفوژ شد. پس از صاف شدن مجدد محلول فوقانی، عصاره‌ی حاصل به منظور بررسی فعالیت انعقادی شیر تا زمان آنالیزهای بعدی در دمای 4°C نگهداری شد.

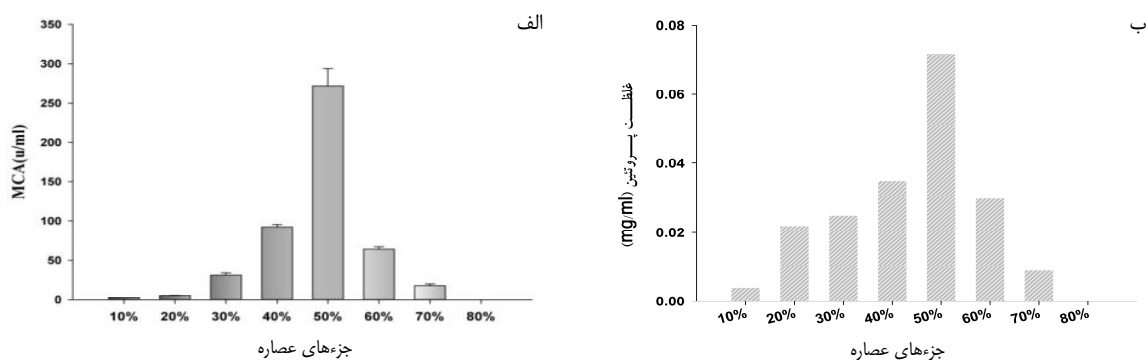
تأثیر غلظت متفاوت میوه در زمان انعقاد شیر: به منظور تعیین غلظت بهینه‌ی عصاره‌ی آنزیمی، غلظت‌های متفاوتی از عصاره‌ی آنزیمی (5، 10، 15، 20، 50، 100، 150 و 200 میکرولیتر) بررسی شد. به این ترتیب که ابتدا 2 میلی لیتر از واکنش‌گر به مدت 10 دقیقه در دمای 37°C انکوبه شد، سپس غلظت‌های متفاوتی از عصاره استخراجی (5، 10، 15، 20، 50، 100، 150 و 200 میکرولیتر) به هر یک از لوله‌ها اضافه شد و تشکیل لخته با چرخش دستی لوله در فواصل زمانی کم در دمای 37°C بررسی شد. نقطه‌ی پایانی زمانی بود که اجزاء به طور مجزا در لوله آزمایش مشاهده می‌شد.

تأثیر دما بر زمان انعقاد شیر توسط عصاره‌ی میوه: به منظور تعیین دمای بهینه برای فعالیت آنزیم، زمان انعقاد شیر در دماهای 37، 40، 50، 60، 70 و 80°C درجه‌ی سانتی‌گراد مانند روش ذکر شده بررسی شد. به این ترتیب که ابتدا 2 میلی لیتر واکنش‌گر به مدت 10 دقیقه در هر یک از دماهای بالا قرار داده شد، سپس 200 میکرولیتر عصاره به هر یک از واکنش‌گرها در دمای مورد نظر افزوده شد. تشکیل لخته در دماهای مورد نظر با چرخش دستی لوله هرچند وقت یک بار مورد بررسی قرار گرفت (11).

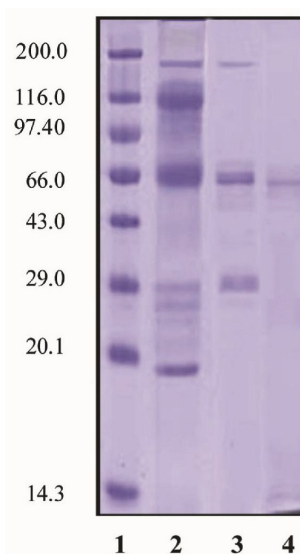
تأثیر دما بر فعالیت آنزیمی عصاره‌ی میوه (پایداری گرمایی آنزیم): پایداری گرمایی عصاره‌ی آنزیمی در دماهای 40، 50، 60 و 70°C درجه‌ی سانتی‌گراد بررسی شد. برای این منظور 200 میکرولیتر از عصاره‌ی میوه به مدت

نشان داد و جزء P4 علاوه بر باند فوق دارای دو باند دیگر با وزن ملکولی 29 و 170 کیلو دالتون نیز بود. پروتئین‌های به دست آمده از عصاره خام در الکتروفورتوگرام به صورت هفت باند با محدوده‌ی وسیعی از اوزان ملکولی 20 تا 170 کیلودالتون مشاهده شدند (شکل 2).

بیشترین میزان محتوای پروتئینی و جزء 10 درصد کمترین میزان پروتئین را داشتند. همچنین، در جزء 80 درصد هیچ گونه فعالیت انعقادی مشاهده نشد. وزن ملکولی پروتئین‌های موجود در عصاره‌ی خام و اجزای P4 و P5 با استفاده از ژل پلی‌آکریل‌امید تعیین شد. الکتروفورتوگرام حاصل برای جزء P5 یک باند پروتئینی با وزن ملکولی 66 کیلو دالتون را



شکل 1. الف. میانگین و انحراف استاندارد داده‌های حاصل از MCA هر یک از اجزای حاصل از خالص‌سازی جزئی در دمای 37°C و $\text{pH}=6/5$ شکل 1. ب. غلظت پروتئینی هر یک از اجزای به دست آمده از خالص‌سازی عصاره‌ی آنزیمی گیاه ویتانیا کواگولانس



شکل 2. الکتروفورتوگرام حاصل از SDS-PAGE عصاره میوه ویتانیا کواگولانس

1. مارکر ملکولی، 2. عصاره‌ی میوه 3. جزء 40 درصد حاصل از خالص‌سازی جزئی (F4) 4. جزء 50 درصد حاصل از خالص‌سازی (F5)

مارکر ملکولی استفاده شده.

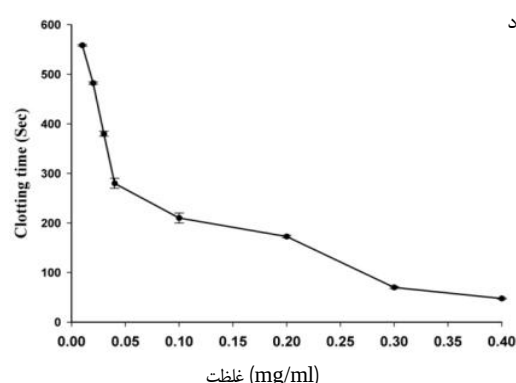
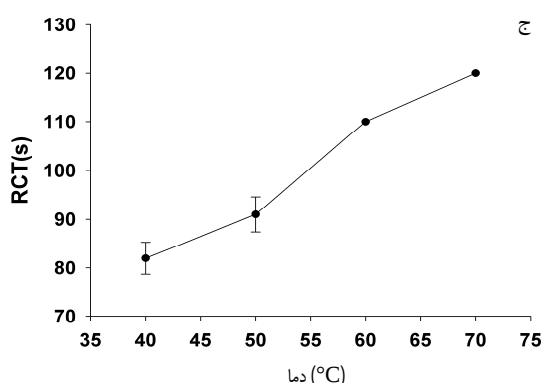
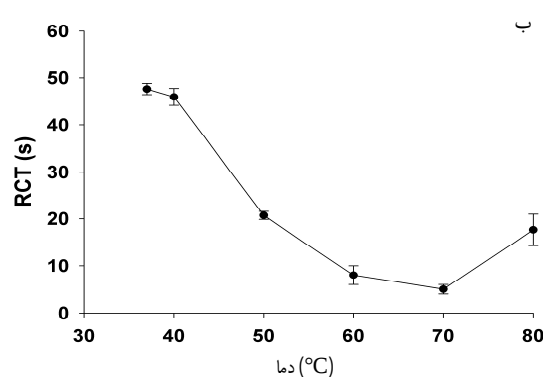
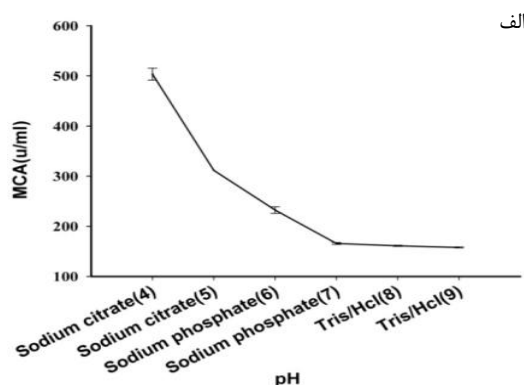
Myosin (200 kDa), β -Galactosidase (116 kDa), phosphorylase b (97.40 kDa), bovine serum albumin (66.0 kDa), ovalbumin (43.0 kDa), carbonic anhydrase (29.0 kDa), trypsin inhibitor (20.1 kDa), and lysozyme (14.3 kDa).

40°C بود (شکل 3. ب)، اما افزایش بیشتر دما (تا 80°C) سبب کاهش زمان انعقاد شد. بررسی پایداری گرمایی آنزیم در دماهای 40 تا 70 درجه‌ی سانتی‌گراد به مدت 30 دقیقه بررسی شد، نشان داد که بیش از 74 درصد از فعالیت آنزیمی عصاره پس از 30 دقیقه انکوباسیون در دمای 60°C حفظ شده است (شکل 3. ج).

تأثیر غلظت‌های مختلف عصاره‌ی آنزیمی بر فعالیت انعقادی شیر: نتایج به دست آمده از تأثیر غلظت‌های مختلف در شکل 3. د نشان داده شده است. با افزایش غلظت عصاره‌ی آنزیمی از 5 میکرولیتر (0/01mg/ml) تا 200 میکرولیتر (0/4 mg/ml) زمان انعقاد از 558/4 به 47/7 ثانیه کاهش یافت. با وجود این افزایش غلظت، بافت لخته‌ی به دست آمده با غلظت 200 میکرولیتر سفت‌تر از سایر غلظت‌ها بود و هیچ گونه مزه‌ی تلخ در این غلظت مشاهده نشد.

تأثیر pH بر فعالیت آنزیم: استخراج عصاره‌ی آنزیمی با بافرهای مختلف نشان داد که با افزایش pH بافر فعالیت انعقادی عصاره کاهش پیدا می‌کند و با کاهش pH فعالیت انعقادی افزایش می‌یابد. همان‌طور که در شکل 3. الف نیز مشاهده می‌شود با افزایش مقادیر pH از 4 تا 7 یک افزایش تدریجی و سریع در زمان انعقاد شیر به وجود آمد، ولی هنگامی که pH از 7 تا 9 افزایش یافت، این افزایش خیلی قابل توجه نبود. به طوری که در pH=9 حدود 31 درصد از فعالیت انعقادی مشاهده شده در pH=4 حفظ شد. با وجود این، بیشترین فعالیت انعقادی در عصاره‌ی استخراجی در pH=4 (با بافر سیترات سدیم) مشاهده شد.

تأثیر دما بر فعالیت و پایداری آنزیم: فعالیت انعقادی شیر در دماهای مختلف از محدوده‌ی دمایی 37 تا 80 درجه‌ی سانتی‌گراد ارزیابی شد. با افزایش دما میزان فعالیت آنزیم به طور معنی‌داری افزایش یافت. به طوری که در دمای 70°C فعالیت آنزیمی 9 برابر بیشتر از فعالیت آنزیمی در دمای



شکل 3. تأثیر دما، pH، غلظت آنزیم بر زمان انعقاد و میزان فعالیت انعقادی شیر

(الف). تأثیر pH بر فعالیت انعقادی عصاره‌ی میوه در محدوده pH از 4 تا 9؛ (ب). تأثیر دمای شیر بر زمان انعقاد؛ (ج). تأثیر دما بر پایداری گرمایی عصاره‌ی آنزیمی؛ (د). تأثیر غلظت‌های متفاوت عصاره آنزیمی بر زمان انعقاد (نتایج به صورت میانگین سه تکرار $\pm$ انحراف استاندارد گزارش شده است)

• بحث

دما یکی از عوامل تأثیر گذار بر فرایند انعقاد است به طوری که در درجه حرارت کمتر از 10°C به دنبال عمل مایه پنیر فقط κ -کازئین برش می خورد و نقش محافظت از میسل های کازئین و به دنبال آن تشکیل لخته اتفاق نمی افتد. علت، بالا بودن ضریب حرارتی فاز دوم انعقاد است. در دماهای بین 10 تا 20 درجه ی سانتی گراد سرعت تشکیل لخته بسیار کند است. ولی با افزایش درجه حرارت بین 20 تا 40 درجه سانتی گراد سرعت تشکیل لخته مرتباً افزایش می یابد. در دماهای بالاتر از 50°C مجدداً سرعت تشکیل لخته کاهش می یابد. (19) و در مورد آنزیم کیموزین (موجود در رنت گوساله) در دمای 52°C سرعت انعقاد به نحو محسوسی کاهش می یابد و در دمای بالاتر از 65°C انعقاد صورت نمی پذیرد (21).

نتایج حاصل از تأثیر دمای شیر بر زمان انعقاد شیر توسط عصاره ی میوه نشان داد که با افزایش دما تا 70°C زمان انعقاد به طور قابل توجهی کاهش می یابد (9 برابر کمتر از زمان انعقاد در دمای 37°C). از این رو، دمای 70°C دمای بهینه ی فعالیت آنزیم ویتانیا کوگولانس در نظر گرفته شد. در حقیقت می توان گفت تسریع در انعقاد همراه با افزایش دما بر اثر گسترش دامنه ی فعالیت آنزیم است. با افزایش بیشتر دما تا 80°C میزان فعالیت انعقادی روندی کاهشی را نشان می دهد. دلیل کاهش فعالیت انعقادی در دمای بالاتر از 70°C به دلیل دناتوراسیون نسبی آنزیم است. این الگوی تغییرات دمایی عصاره ی آنزیمی ویتانیا کوگولانس در مقایسه با کیموزین بسیار قابل توجه است. مشابه الگوی تغییرات دمایی به دست آمده با عصاره ی ویتانیا کوگولانس توسط احمد و همکاران (22) در مورد عصاره ی آنزیمی گیاه سولانیوم دویوم نیز گزارش شده است. هم چنین Kumar و همکاران (23) حداکثر دما برای فعالیت انعقادی آنزیم منعقدکننده ی شیر (آسپارتیک پروتئیناز) استخراج شده از رازیوپوس / اوریزا را دمای 60°C گزارش کردند به طوری که این آنزیم در دمای 70°C به سرعت غیرفعال می شود.

نتایج حاصل از اندازه گیری پایداری گرمایی عصاره ی آنزیمی ویتانیا کوگولانس، مقاوم بودن عصاره در دماهای بالا را نشان می دهد. به طوری که در دمای 60°C ، 74 درصد از

هنگامی که یک جایگزین رنت مورد بررسی قرار می گیرد، ارزیابی حساسیت آن به تغییرات pH، دما و غلظت بسیار مهم است. همان طور که در نتایج هم ذکر شد، بیشترین میزان فعالیت انعقادی عصاره ی آنزیمی ویتانیا کوگولانس در $\text{pH} = 4$ مشاهده شد یعنی آنزیم موجود در عصاره ی میوه ی گیاه ویتانیا کوگولانس یک پروتئاز اسیدی است و به همین دلیل در محیط قلیایی از میزان فعالیت آن کاسته می شود به طوری که هر چه pH بافر استخراج کمتر و به pH فعالیت بهینه ی آنزیم نزدیک شود، سرعت منعقد کردن شیر توسط آن افزایش می یابد. از این نظر، عصاره ی آنزیمی ویتانیا کوگولانس مشابه سایر آسپارتیک پروتئینازهای دیگر است (15). چنین الگوی رفتاری در بیشتر مایه پنیرهای تجاری موجود نیز مشاهده می شود که با کاهش pH از مقادیر 7 به 4 تا 5 میزان MCA افزایش می یابد (16). نتایج حاصل از این پژوهش با مشاهدات Macedo و همکاران که pH بهینه برای گیاه سینارا کاردونکوس را بین 3 تا 5 گزارش کردند (17).

یکی دیگر از عوامل مؤثر روی فرایند انعقاد، غلظت آنزیم منعقدکننده است. Storch و همکاران (18) وجود رابطه ی معکوس بین زمان انعقاد شیر و عمل مایه پنیر با غلظت آنزیم را گزارش کردند. به طوری که با افزایش غلظت آنزیم، فعالیت انعقادی شیر افزایش و زمان انعقاد کاهش می یابد. به عبارت دیگر، سرعت انعقاد شیر با غلظت آنزیم نسبت مستقیم دارد. این تغییرات به افزایش سرعت هیدرولیز κ -کازئین نسبت داده می شود. به عبارت دیگر در زمان کمتری مقدار بیشتری κ -کازئین به پاراکازئین و کازئینوماکروپپتید تبدیل می شود و در نتیجه ی به هم خوردن تعادل الکترواستاتیکی محیط، انعقاد شیر در زمان کوتاه تری انجام می پذیرد. اگرچه رابطه ی مستقیمی بین این دو وجود ندارد (16، 19، 20). این موضوع در عصاره ی آنزیمی گیاه ویتانیا کوگولانس نیز مشاهده شد به این ترتیب که با افزایش غلظت آنزیم، زمان انعقاد کاهش قابل توجهی داشت. مطالعات انجام شده توسط Chazarra و همکاران (11) در خصوص گیاه سینارا اسکولیموس نشان داده که با افزایش غلظت عصاره ی آنزیمی، زمان انعقاد کاهش می یابد و از این نظر با نتایج حاصل از این پژوهش مطابقت دارد.

انعقادی در جزء 50 درصد اشباع وجود دارد. از سوی دیگر، مشاهدات به دست آمده در خالص سازی عصاره‌ی آنزیمی ویتانیا کوگولانس با نتایج ارائه شده توسط احمد و همکاران (22) در مورد خالص سازی جزئی عصاره‌ی گیاه سولانیوم دوبیوم کاملاً مطابقت دارد.

الکتروفور توگرام حاصل از SDS-PAGE در جزء P5 یک باند پروتئینی با وزن ملکولی 66 کیلو دالتون را نشان داد. هم چنین، با وجود این که پروتئین های به دست آمده از عصاره‌ی خام به صورت 7 باند با محدوده وسیعی از اوزان از 20 تا 170 کیلو دالتون مشاهده شدند، ولی اکثریت باندها بین 20 تا 66 کیلو دالتون قرار داشتند. برخی از این باندها جرم های ملکولی مشابه آسپارتیک پروتئازها (آنزیم های دارای پتانسیل انعقاد شیر) را داشتند. در جزء P4 پروتئین با وزن ملکولی 29 کیلو دالتون مشاهده شد که مشابه وزن ملکولی یکی از سه آنزیم خالص شده‌ی به دست آمده از گیاه سینارا کاردونکولوس (سیناراز A) است (29)

ترسیب با سولفات آمونیوم نه تنها یک روش ساده، مؤثر و ارزان برای تغلیظ و خالص سازی آنزیم است، بلکه سبب خارج شدن ترکیبات فنلی نیز می شود که به مقادیر زیادی در عصاره‌ی خام وجود دارد و به آسانی به رنگدانه های قهوه‌ای رنگ اکسیده می شود. علاوه بر این، پیشرفت خالص سازی اثر شدیدی روی کیفیت لخته‌ی نهایی دارد. این موضوع در ژل های حاصل از جزء 50 درصد اشباع نیز مشاهده شد.

استفاده های دارویی و غذایی از گیاه ارزشمند ویتانیا کوگولانس از دیرباز و سازگاری شرایط فعالیت آنزیم با شرایط تولید پنیر و هم چنین پایداری این آنزیم در محدوده‌ی وسیعی از دما امکان کاربرد آن را در صنعت غذا به ویژه صنعت لبنیات برای تولید و سرعت بخشیدن به دوره رسیدگی پنیر را نشان می دهد.

نتایج این پژوهش، چشم انداز را برای استفاده از این گیاه دارویی به عنوان جایگزین مایه پنیر در صنعت لبنیات ترسیم می کند.

فعالیت انعقادی عصاره حفظ شد. به نظر می رسد که پایداری گرمایی عصاره‌ی آنزیمی ویتانیا کوگولانس بیشتر از 70°C نیز باشد. بیشتر آنزیم ها در دماهای بالا به طور کامل یا تا حد زیادی دناتوره می شوند. این موضوع از لحاظ تجاری سازی یک عامل منفی تلقی می شود (24). بنابراین، دارابودن پایداری گرمایی عصاره‌ی آنزیمی ویتانیا کوگولانس نسبتاً قابل توجه است. آنزیم هایی که پایداری حرارتی دارند، از مزایای متعددی مثل مقاومت در مقابل اکثر عوامل دناتوره کننده‌ی شیمیایی (حلال های آلی) و پایداری در شرایط انبارمانی برخوردارند (25). Rapaso و همکاران و (26) با بررسی پایداری گرمایی آسپارتیک پروتئاز استحصالی از گیاه *Centaurea calcitrapa* گزارش کردند در دمای 52°C حدود 60 درصد از فعالیت انعقادی عصاره‌ی آنزیم از بین می رود و در دمای 70°C آنزیم کاملاً غیرفعال می شود و فعالیت انعقادی مشاهده نشده است. هم چنین Kumar و همکاران (27) مشابه نتایج ارائه شده توسط Rapaso را در مورد آسپارتیک پروتئاز به دست آمده از ریزوپوس / اوریزا گزارش کردند که در دمای 60°C آنزیم 62 درصد از فعالیت اولیه‌ی خود را از دست داده است.

هر یک از اجزای به دست آمده در جزء بندی عصاره‌ی آنزیمی توسط سولفات آمونیوم به عنوان یک مرحله‌ی خالص سازی فعالیت انعقادی متفاوتی دارد. مقایسه‌ی نتایج حاصل از اندازه گیری غلظت پروتئین هر یک از اجزا و نتایج حاصل از فعالیت انعقادی اجزای مختلف نشان می دهد که همبستگی بین مقدار پروتئینی هر یک از اجزا و فعالیت انعقادی آن ها وجود دارد. به این معنی که بالا بودن غلظت پروتئین در هر یک از اجزا می تواند به دلیل حضور آنزیم انعقادی شیر باشد. در عصاره‌ی آنزیمی ویتانیا کوگولانس جزء 50 درصد اشباع، بیشترین مقدار پروتئین و بیشترین فعالیت انعقادی را داشت. پس از آن جزء 40 درصد بیشترین فعالیت انعقادی را داشت. Campos و همکاران (28) نیز با خالص سازی جزئی عصاره‌ی آنزیمی سینارا کاردونکولوس توسط سولفات آمونیوم و تعیین فعالیت انعقادی هر یک از اجزای به دست آمده، گزارش کردند بیشترین فعالیت

• References

- Farahnoodi F. Dairy Industries. Tehran :Research and Education Jahad company. 1998; 98-100 [in persian].
- Roseiro LB, Barbosa M, Ames JM, Wilbey RA. Cheesemaking with vegetable coagulants the use of *Cynara L.* for the production of ovine milk cheeses. *Int J of Dairy Technol.* 2003;56(2):76-85.
- Tripathi P, Tomar R, Jagannadham MV. Purification and biochemical characterisation of a novel protease streblin. *Food Chem* 2011;125(3):1005-12.
- Jacob M, Jaros D, Rohm H. Recent advances in milk clotting enzymes. *Int J of Dairy Technol* 2011;64(1):14-33.
- Piero ARL, Puglisi I, Petrone G. Characterization of "Lettucine", a serine-like protease from *Lactuca sativa* leaves, as a novel enzyme for milk clotting. *J of Agri and Food Chem* 2002;50(8):2439-43.
- Pino A, Prados F, Galán E, McSweeney PLH, Fernández-Salguero J. Proteolysis during the ripening of goats' milk cheese made with plant coagulant or calf rennet. *Food Res Int* 2009;42(3):3230-40
- Dinakar P, Mathur M, Roy D. Differences in proteolytic behaviour in cheddar cheese prepared with calf and vegetable rennet. *Indian J of Dairy Sci* 1989;42:792-6.
- Ghahreman A, Attar F. Biodiversity of plant species in Iran: Central Herbarium of Tehran University, Faculty of Science; 1999.p.379. [in persian].
- Hemalatha S, Wahi A, Singh P, Chansouria J. Hypolipidemic activity of aqueous extract of *Withania coagulans* Dunal in albino rats. *Phytotherapy Res* 2006;20(7):614-7.
- Jaiswal D, Rai PK, Watal G. Antidiabetic effect of *Withania coagulans* in experimental rats. *Indian J of Clinical Bioch* 2009;24(1):88-93.
- Chazarra S, Sidrach L, López-Molina D, Rodríguez-López JN. Characterization of the milk-clotting properties of extracts from artichoke (*Cynara scolymus*, L.) flowers. *Int Dairy JI* 2007;17(12):1393-400.
- Bradford MM. A rapid and sensitive method for the quantitation of microgram quantities of protein utilizing the principle of protein-dye binding. *Analytical Bioch.* 1976;72(1-2):248-54.
- Wang W, Liu QJ, Cui H. Rapid desalting and protein recovery with phenol after ammonium sulfate fractionation. *Electrophoresis* 2007;28(14):2358-60.
- Laemmli U. Slab gel electrophoresis: SDS-PAGE with discontinuous buffers. *Nature* 1979;227:680-5.
- Chitpinitol S, Crabbe MJC. Chymosin and aspartic proteinases. *Food Chem.* 1998;61(4):395-418.
- Hashim MM, Mingsheng D, Iqbal MF, Xiaohong C. Ginger rhizome as a potential source of milk coagulating cysteine protease. *Phytochemistry* 2011;72(6):458-64.
- Macedo IQ, Faro CJ, Pires EM. Specificity and kinetics of the milk-clotting enzyme from cardoon (*Cynara cardunculus L.*) toward bovine. kappa.-casein. *J Agricul Food chem* 1993;41(10):1537-40.
- Storch V, Segelcke. T. *Milchforsch, Milchprax.* 1874; 3:997.
- Nájera AI, De Renobales M, Barron L. Effects of pH, temperature, CaCl₂ and enzyme concentrations on the rennet-clotting properties of milk: a multifactorial study. *Food Chem* 2003;80(3):345-52.
- Fox PF. Cheese: chemistry, physics and microbiology: Aspen Pub; 1999:230-6.
- Azarnia S, Ehsani M, Mirhadi S. Evaluation of the physico-chemical characteristics of the curd during the ripening of Iranian brine cheese. *Int Dairy J* 1997;7(6):473-8.
- Ahmed IAM, Morishima I, Babiker EE, Mori N. Characterisation of partially purified milk-clotting enzyme from *Solanum dubium* Fresen seeds. *Food Chem.* 2009;116(2):395-400.
- Kumar A, Sharma J, Mohanty AK, Grover S, Batish VK. Purification and characterization of milk clotting enzyme from goat (*Capra hircus*). 2006;145(1):108-13.
- Tucker GA, Woods L. *Enzymes in food processing*, london: Springer; 1995;340-345.
- Zentgraf B, Ahern T. Practical importance of enzyme stability. *Pure & Appl Chern*1991;63(10):1527-40.
- Raposo S, Domingos A. Purification and characterization milk-clotting aspartic proteinases from *Centaurea calcitrapa* cell suspension cultures. *Process Biochem* 2008;43(2):139-44.
- Kumar S, Sharma NS, Saharan MR, Singh R. Extracellular acid protease from *Rhizopus oryzae*: purification and characterization. *Process Biochem* 2005;40(5):1701-5.
- Campos R, Guerra R, Aguilar M, Ventura O, Camacho L. Chemical characterization of proteases extracted from wild thistle (*Cynara cardunculus*). *Food Chem.* 1990;35(2):89-97.
- Sidrach L, García-Cánovas F, Tudela J, Neptuno Rodríguez-López J. Purification of cynarases from artichoke (*Cynara scolymus L.*): enzymatic properties of cynarase A. *Phytochemistry* 2005;66(1):41-9.

Partial purification and characterization of milk-clotting enzyme extracted from *Withania coagulans* fruit

Beigomi M¹, Mohammadifar MA^{*2}, Ghods Rohani M³, Hashemi M⁴, Valizadeh M⁵

1-MSc in Food Science and Technology, National Nutrition and Food Technology Research Institute, Faculty of Nutrition Sciences and Food Technology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

2-*Corresponding author: Associate prof, Dept. of Food Science and Technology, National Nutrition & Food Technology Research Institute, Faculty of Nutrition Sciences and Technology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran, E-mail:mohamdif@ut.ac.ir

3- Assistant Prof., Institute of Scientific – Applied Higher Education Jihad- e -Agriculture, Iran

4- Assistant Prof. Dept. of Microbial Biotechnology & Biosafety Department, Agricultural Biotechnology Research Institute of Iran (ABRII), Karaj, Iran

5- Assistant Prof, Research Center of Medicinal and Ornamental Plant, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran

Received 2 May, 2013

Accepted 12 Aug, 2013

Background and objective: Numerous attempts have been made to replace calf rennet with other milk-clotting proteases because of limited supply and high prices of calf rennet. Fruit of *Withania coagulans* (solanaceae), a medicinal plant rich in milk-clotting proteases, have been traditionally used in the south of Iran as a plant coagulant for cheese-making. No systematic study on the characterization of *W. coagulans* milk-clotting enzyme has been conducted so far. The purpose of this study was to extract, partially purify and characterize the milk-clotting enzyme from *W.coagulans*.

Materials and methods: An enzyme extract was prepared from the fruit of *W. coagulans* using a 0.85% NaCl solution, and the milk-clotting activity and characteristics of the milk-clotting enzyme (effect of temperature, pH, enzyme concentration and thermal stability) were assessed. The extract was partially purified, and the molecular mass of the crude extract and the fractions with the highest milk-clotting activity were determined by SDS- PAGE.

Results: The optimal temperature and pH for the enzyme were 70°C and 4, respectively. Partial purification showed that the milk-clotting activity of the enzyme purified with 50% ammonium sulphate was greater than samples purified with other ammonium sulphate solutions at other concentrations. The molecular mass of this fraction using SDS-PAGE showed two bands, namely, 66 and 29 kDa. An important characteristic of the enzyme was its excellent thermal stability; it retained 74% of its milk-clotting activity at 60°C for 30 min.

Conclusion: It seems that *W. coagulans* proteases can be used as a suitable source of enzyme in the dairy industry as an alternative clotting agent.

Keywords: *Withania coagulans*, Extraction, Partial purification, SDS-PAGE